

بررسی نقش آموزش و پرورش در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان

تاریخ پذیرش: 1395/12/02

تاریخ دریافت: 1395/05/03

محمد روحانی مقدم،¹ حمیدرضا محمدزاده مهنه،² امیرحسین پروانه‌پور³

از صفحه 69 تا 104

چکیده

زمینه و هدف: نوجوانان و جوانان، بخش مهم و پایه‌ای سرمایه انسانی هر جامعه به حساب می‌آیند که در عین حال، بیش‌تر از سایر گروه‌های جامعه در معرض بزه‌کاری و بزه‌دیدگی قرار دارند. آموزش و پرورش بیش‌ترین تأثیر را بعد از خانواده بر روح و روان نوجوانان می‌گذارد و شخصیت اجتماعی و فرهنگی نوجوان در این نهاد پایه‌گذاری می‌شود. هدف اصلی این پژوهش «بررسی نقش آموزش و پرورش در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان» بوده است.

روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، از تحقیقات توصیفی تحلیلی است که به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری آن تمامی دانش‌آموزان مقطع دبیرستان منطقه پنج تهران در سال تحصیلی 1394-95 بوده و برای تعیین نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. برای سنجش نقش آموزش و پرورش و سنجش متغیر پیش‌گیری از جرم از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. روایی ابزار با استفاده از روایی صوری و سنجش پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش نشان داد که «شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان» و «شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان» در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارند هم‌چنین آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش مبین آن است که متغیرهایی مانند «مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان»، «استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی»، «داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب»، «تمایل به حضور در مدرسه»، «عملکرد تحصیلی مطلوب»، «داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای سالم» و... در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر به‌سزایی دارند.

واژه‌های کلیدی: پیش‌گیری زودرس، مهارت‌های اجتماعی، آموزش و پرورش، جرم، دانش‌آموزان.

1- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی سمنان (نویسنده مسئول)، maqaib@gmail.com

2- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، hamidrezamohamadzade1366@gmail.com

3- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه عدالت

دانشمندان، صاحب‌نظران و دولت‌ها، حفظ و توسعه سرمایه انسانی (نیروی انسانی) را هم‌اکنون مقدم‌تر و مهم‌تر از سرمایه طبیعی (منابع معدنی، جنگل‌ها و ...) و سرمایه فیزیکی (تأسیسات و کارخانه‌ها) می‌دانند و بر آن تأکید دارند. بی‌شک، سرمایه انسانی در شرایطی باعث رشد و توسعه اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌شود که پدیده بزه‌کاری و جرم آن را تهدید نکند؛ بنابراین برای تحقق سرمایه انسانی و حفظ آن، یکی از مهم‌ترین اقداماتی که دولت‌ها باید در برنامه‌های کلان خود لحاظ کنند، مهار بزه‌کاری و جرم است، زیرا بزه‌کاری و جرم، تهدیدکننده و نابودگر جدی سرمایه اجتماعی و سلامت جامعه است و به‌همین دلیل این مسئله یکی از دغدغه‌های کنونی دولت‌ها به‌شمار می‌آید. این دغدغه‌ها زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم نوجوانان و جوانان، که اصلی‌ترین بخش نیروی انسانی و هم‌چنین سرمایه انسانی هر جامعه به‌شمار می‌روند، بیش‌تر از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض بزه‌کاری و بزه‌دیدگی قرار دارند.

نوجوانان و جوانان، بخش مهم و پایه‌ای سرمایه انسانی هر جامعه به‌حساب می‌آیند که در عین حال، بیش‌تر از سایر گروه‌های جامعه در معرض بزه‌کاری و بزه‌دیدگی قرار دارند. کشور ایران با جمعیتی بالغ بر 70495782 (مرکز آمار ایران، 1385)

بیست و یکمین کشور پرجمعیت جهان و اولین کشور پرجمعیت منطقه خلیج فارس است (گزارش سازمان ملی جوانان، 1381: 8) و همان‌طور که گفته شد، بر اساس برآوردهای مرکز آمار ایران هم‌اکنون بیش از 26 میلیون نفر از جمعیت ایران یعنی 37/8 درصد آن، از نظر سنی زیر 18 سال هستند. جمعیت دانش‌آموزی کشور نیز با لحاظ سه مقطع دبستانی، راهنمایی و دبیرستانی بیش از 18 میلیون نفر برآورد شده است که 5 میلیون آن دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی و بقیه دبستانی و راهنمایی هستند. این آمار از یک‌سو نشانگر فرصتی برای بالندگی سرمایه انسانی و از سوی دیگر در صورت عدم اعمال توجه لازم، تهدید قلمداد می‌شود. بدیهی است در صورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مطلوب، آمار یادشده، بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی را نوید می‌دهد و تحولات عمیقی را در بخش‌های گوناگون در کشور به‌وجود می‌آورد، در غیر این

صورت، چالش‌های متعددی را پیش‌روی دولت و سیاست‌گذاران قرار خواهد داد (رجبی‌پور، 1382: 11).

طبق بند 8 ماده 4 قانون ناجا (مصوب 27 تیر 1369) پیش‌گیری از وقوع جرایم جزو وظایف قضایی ناجا به حساب می‌آید. در یک دسته‌بندی، پیش‌گیری از وقوع جرایم، دو نوع است: الف) کیفری (خاص و عام) و ب) غیرکیفری (پیش‌گیری اجتماعی و وضعی) (گل محمدی خامنه، 1384: 9-6).

افزایش انواع جرایم و به‌وجود آمدن شیوه‌های نوین بزه‌کاری، یکی از معضلات جوامع کنونی به‌شمار می‌رود. ولی علاوه بر آن، مشکل جدی‌تری که جوامع با آن مواجه هستند، کاهش یافتن سن بزه‌کاری و ارتکاب این جرایم می‌باشد که متأسفانه علیرغم تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های مختلف، همچنان روند رو به افزایشی را طی می‌کند و وضع نگران‌کننده‌ای را ایجاد کرده و جامعه را به چاره‌اندیشی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه وادار کرده است. آموزش و پرورش اولین نهاد اجتماعی بزرگ است که کودک پای در آن ارگان می‌گذارد. این نهاد بیش‌ترین تأثیر را بعد از خانواده در روح و روان کودک بر جای می‌گذارد. شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودک در این نهاد پایه‌گذاری می‌شود؛ بنابراین باید مورد توجه مسئولان و صاحب‌نظران قرار گیرد. واضح است که آموزش و پرورش در کشور ما به‌عنوان کاهنده جرایم از جایگاه والایی برخوردار نیست، با این حال ریشه‌های آموزشی و فرهنگی کاهنده جرایم را می‌توان در این نهاد، جستجو و بازخوانی کرد. مسلماً این ارگان واجد ارزش و بحث جدی است و می‌تواند به‌عنوان نهاد اصلی در رأس هدف مورد نظر این تحقیق، گره‌گشای بسیاری از معضلات اجتماع باشد.

بنابراین آموزش و پرورش به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد قدرت و تأثیرگذارترین آن و تنها نهادی که می‌تواند پیش‌گیری رشدمدار را به‌صورت صحیح در قالب آموزش‌های رایج تربیتی محقق سازد، می‌بایست با ادغام سیاست‌های جامعه‌شناسانه و آموزه‌های دینی تعالیم نوینی را برای تربیت هر چه بهتر قضایی و حقوقی کودک فراهم کند. در قوانین کشوری نیز به موضوع تأثیرگذاری این نهاد و وظایف آن در قبال دانش‌آموزان و آموزش صحیح اخلاقی و قضایی ایشان تأکید دارد (قانون اساسی، اصل سوم، بند 3 و 9).

هم‌چنین این موضوع در ماده یک قانون تأسیس آموزش و پرورش نیز آمده و بر این موضوع تأکید شده است که رساندن کودکان از لحاظ شکوفایی استعداد و توانایی‌ها به حدی که به‌عنوان یک فرد مؤثر بتوانند در جامعه ایفای نقش کنند، یعنی وظیفه تعلیم و تربیت به‌عهده آموزش و پرورش گذاشته شده است.

با توجه به توضیحاتی که در بالا بیان شده، سوالی که محققان را بر آن داشت تا به پژوهش و تفحص در این زمینه بپردازند، این بود که آموزش و پرورش با استفاده از چه راهکارهایی می‌تواند از جرم و بزه‌کاری دانش‌آموزان پیش‌گیری کند.

بیان مسئله

امروزه میلیون‌ها نفر از جمعیت فعال و پرانرژی کشورمان (37/46 درصد) را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند که در سطوح مختلف تحصیل می‌کند و دوران پرفراز و نشیب کودکی و نوجوانی را سپری می‌کند و در این دوران شخصیت آنان شکل می‌گیرد. بر مبنای بررسی‌های به‌عمل آمده توسط معاونت اجتماعی ناجا، آمار و ارقام جرایم دانش‌آموزی، نشان می‌دهد که کشور ما نسبت به سایر جوامع از وضعیت قابل قبولی برخوردار بوده و آمار جرایم دانش‌آموزی از متوسط و میانگین نرخ جهانی پایین‌تر است؛ با این همه، آمار جرایم در مدارس در سال‌های اخیر روند رو به رشدی داشته به‌گونه‌ای که جرایم دانش‌آموزی در سال 1384 نسبت به سال 1383 حدود 13 درصد افزایش پیدا کرده است، آمار و اطلاعات شش ماهه اول سال 1385 نیز حاکی از همین روند رشد است (گل محمدی خامنه، 1384: 18).

آموزش و پرورش براساس رهنمودهای سازمان ملل متحد برای پیش‌گیری از بزه‌کاری نوجوانان جایگاه خاصی دارد. این سازمان در یکی از مواد و اصول بنیادین خود مقرر می‌دارد؛ نظام آموزشی کشورها باید به نوجوانانی که در معرض مخاطرات اجتماعی قرار دارند، دقت و توجه خاصی داشته باشد. باید برنامه‌های پیش‌گیری، برنامه‌های آموزشی، برنامه‌های درسی و ابزارهای تخصصی ایجاد شده و مورد استفاده کامل قرار گیرد. معلمان و سایر متخصصان باید در جهت پیش‌گیری و رفع مسائل و مشکلات، تجهیز و آموزش داده شوند و اطلاعات کافی در زمینه مصرف مواد مخدر و سایر جرایم

ارتكابی در دسترس قشر دانش‌آموزان قرار داده شوند. مدارس باید سیاست‌ها و مقرراتی را ترویج کنند که منصفانه و عادلانه باشد (مقررات ریاض، 1990).

دلایل مختلفی از جمله تحولات حادث‌شده در اثر زندگی مدرنیته، کاهش نظارت نهاد خانواده بر فرزندان، افزایش ضریب شدت آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان در مقابل آماج‌های مجرمانه، کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و عدم آموزش کافی ارزش‌های اخلاقی، مذهبی و اجتماعی توسط خانواده‌ها و سایر ارگان‌های مربوط به‌خوبی ضرورت ارائه اقدامات حمایتی در جهت حمایت از دانش‌آموزان معارض با قانون و بزه دیده جرم را توجیه می‌کند (گل محمدی، 1387: 130).

آمارها نشان می‌دهد تحول کیفی در حوزه بزه‌کاری دانش‌آموزان وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که برشدت جرایم ارتكابی آنان افزوده است. افزایش حجم جرایم خشونت‌آمیز اعتیاد و جرایم مرتبط با مواد مخدر، زور و تهدید، سرشاخ‌گیری، جرایم جنسی و سایر جرایم از جمله موارد بارز این تحول و دگرگونی در حوزه بزه‌کاری است (وروایی، 1380: 118). از همین‌رو، ضرورت تعبیر جایگاه تعامل آموزش و پرورش و دانش‌آموزان احساس می‌شود. در خصوص جایگاه خاص کودکان، نوجوانان و دانش‌آموزان، چنین استنتاج می‌شود که در مقوله سیاست کنترل جرم برای این گروه‌های سنی یک سیاست پیش‌گیری خاصی اتخاذ شود. هدف از این سیاست، کاهش موارد بزه در اطفال و دانش‌آموزان، حمایت از آن‌ها و پیش‌گیری از بزه‌کاری و اصلاح آنان است.

مبانی نظری پژوهش

«آموزش و پرورش»¹ یا «تعلیم و تربیت» دارای مفهوم و کاربردی گسترده و پیچیده و در نتیجه مبهم است. در تعریف این مفهوم، نه‌تنها میان مردم عادی، بلکه میان صاحب‌نظران تعلیم و تربیت هم اختلاف نظر وجود دارد. هم‌چنین مفاهیمی مانند سوادآموزی، کارآموزی، بارآوردن، پروردن، تأدیبه، اجتماعی کردن، و ... نیز جزئی از «آموزش و پرورش» محسوب می‌شوند یا با آن همپوشی دارند. فلسفه آموزش به بررسی ماهیت و اهداف آموزش و ابزارهای آن می‌پردازد و در ارتباط با «نظریه آموزش» است. نظریه آموزش نوعی نظریه عملی بوده که سعی در فراهم آوردن رهنمود و روشن کردن

تمامی جنبه‌های گوناگون آموزش (اعم از جنبه‌های تعلیمی، اخلاقی و سیاسی مربوطه) و هم‌چنین ساختار اجتماعی وابسته با آن است. فلسفه آموزش از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به بعد به صورت یک شاخه مشخص از فلسفه شناخته شده و مورد بررسی قرار گرفت (شریعتمداری، 1364).

پیش‌گیری از جرم

پیش‌گیری از جرم عبارت از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از بین بردن یا کاهش آن است (نوروزی و همکاران، 1390: 276). هم‌چنین انواع پیش‌گیری از جرم عبارتند از؛ پیش‌گیری اول، دوم، سوم، کوتاه‌مدت، بلندمدت، انفعالی، فعال، کیفری، غیر کیفری، قضایی، انتظامی، وضعی، اجتماعی و... (بیات و همکاران، 1387: 50).

پیش‌گیری وضعی از جرم

پیش‌گیری وضعی رویکردی است که بدون توجه به شخصیت مجرم، تلاش برای اصلاح آن یا حذف تمایلات مجرمانه، صرفاً به دنبال کاهش فرصت‌های مجرمانه است. تمرکز آن بر محیط‌هایی است که جرم در آن‌جا محقق می‌شود، نه بر کسانی که مرتکب جرم می‌شوند (کرنیش¹، 2007: 152). این نوع پیش‌گیری با تحلیل شرایطی که موجب ارتکاب انواع جرایم می‌شود، در پی تغییر مدیریت و محیط است، به طوری که رفتار مجرمانه مشکل‌تر، خطرناک‌تر، کم‌مزیت‌تر و دارای توجیه‌پذیری کم‌تری شود.

اقدام‌های پیش‌گیرانه وضعی شامل قبل و بعد از وقوع جرم می‌شود. این رویکرد، نه بر دستگاه عدالت کیفری، بلکه بر سازمان‌های عمومی، خصوصی و نهادهایی تأکید دارد که خدمات، محصولات و نحوه عملکردشان فرصت‌هایی را برای طیف وسیعی از جرایم فراهم می‌کند؛ نظیر مدارس، بیمارستان‌ها، سیستم حمل و نقل، فروشگاه‌ها، صنایع تولیدی، شرکت‌های مخابرات، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، پارک‌ها، امکانات تفریحی، پارکینگ‌ها و مکان‌های عمومی (لیکاک، 2008: 43).

1- Cornish, D

پیش‌گیری اجتماعی

پیش‌گیری اجتماعی به دو نوع جامعه‌مدار و رشدمدار (زودرس) تقسیم می‌شود. پیش‌گیری اجتماعی جامعه‌مدار در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن یا کاهش عوامل جرم‌زا بر محیط اجتماعی و عمومی اثر گذارد؛ اما پیش‌گیری رشدمدار به دنبال آن است تا با شناسایی عوامل خطر و تقویت عوامل حمایتی و مداخله زودرس از پایداری افراد در بزه‌کاری جلوگیری کند. به بیان دیگر می‌کوشد تا با به‌کارگیری اقدامات مناسب روان‌شناختی - اجتماعی زودهنگام از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه در افراد ممانعت کند. این اقدامات باید پیش از بروز و در آستانه اختلاف‌های احتمالی معمول جلوی عوامل خطری را که نوجوانان در معرض آن هستند بگیرد (نیازپور، 1382: 138).

پیش‌گیری زودرس به معنای مداخله در دوره‌های مختلف رشد کودکان و نوجوانان بزه‌کار یا در معرض بزه‌کاری به منظور پیش‌گیری از مزمن و تکراری شدن بزه‌کاری در آینده شامل اقدام‌هایی می‌شود که ناظر بر گروه خاص نوجوانان و مکان‌های جامعه‌پذیری آن‌ها (مانند خانواده، مدرسه و گروه هم‌سالان) می‌باشد و هدف آن از بین بردن یا بهبود عوامل خطری که نوجوانان در معرض آن هستند و ایجاد عوامل حمایتی که مقاومت افراد را در مقابل پذیرش و پیشه کردن رفتارهای مجرمانه در آینده تقویت می‌کنند، است (متولی زاده نائینی، 1386: 22).

چارچوب نظری

نظریه روان‌شناختی

بررسی‌های نوین کاسپی و مافیت (1993) نشان می‌دهد که خشم، اضطراب، بی‌ثباتی شخصیتی و عواطف منفی از عوامل مرتبط و مستعدکننده رفتار بزه‌کارانه است و افراد با خصوصیات ذکرشده در مقایسه با افراد معمولی بیش‌تر در خطر بروز رفتار انحرافی هستند. ارزیابی این رویکرد، بیانگر آن است که افراد دارای شخصیت‌های درونی بیش‌تر با جرم و رفتار انحرافی در ارتباط هستند؛ اما با نگاه به ماهیت پژوهش‌های روان‌شناختی که عمدتاً از طریق روان‌سنجی انجام می‌شود، خود خالی از اشکال نیست؛ به‌طوری که مشکلات بررسی‌های روان‌سنجی و روان‌شناختی باعث شده است که

جرم‌شناسان با تمام علاقه‌ای که به دیدگاه‌های روان‌شناختی بزه دارند، این پژوهش‌ها را بی‌معنی بدانند. به‌طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که رویکرد روان‌شناختی، هنوز نتوانسته است به‌روشنی تأثیر شخصیت را در بزه‌کاری نشان دهد. شاید پیشنهاد موجه‌تر، بررسی «تحلیل موقعیت وقوع رفتار و شخصیت، متفقاً و همراه باهم راه‌گشا باشد» (کاسپی و مافیت، 1993).

نظریه وضعیت اقتصادی¹

در این نظریه به‌تأثیر عامل اقتصادی به موضوع بزه‌کاری و مسئله فقر به‌طور گسترده پرداخته شده است. موضوع فقر و دلایل ارائه‌شده از تأثیر آن در بروز رفتار بزه‌کارانه ایجاب می‌کند که محله‌های فقیرنشین و غنی‌نشین با همدیگر مقایسه شوند تا بتوان ادعا کرد که فقر به‌عنوان عامل تأثیرگذار شناخته شده است. در مطالعاتی که از سال‌های 1970 به بعد انجام شده است، آمارهای موجود حاکی از آن هستند که درصد زیادی از افرادی که در 49 ایالت آمریکا در پایین‌تر از خط فقر هستند، هیچ‌کدام از هفت بزه مهم را که به‌عنوان شاخص‌های جرم از طرف سازمان (اف. بی. آی) تعیین شده را مرتکب نشده‌اند، اما درمقابل به پژوهش‌هایی برمی‌خوریم که میزان درآمد، تحصیلات و تک‌والدی را در بزه‌کاری مؤثر شناخته‌اند. اما سهم وضعیت اقتصادی را تبیین نکرده‌اند. پژوهش در مورد بیکاری به‌عنوان یک شاخص درآمد نیز نشان می‌دهد که ارتباطی بین بیکاری و بزه‌کاری نوجوان یافت شده است. در ارزیابی رویکرد اقتصادی نیز همانند رویکرد روان‌شناختی می‌توان ادعا کرد، تأثیر نابرابری‌های اقتصادی در بزه بیش‌تر از تأثیر عامل فقر است. اگرچه اکثر پژوهش‌ها نشان داده‌اند، ارتباطی بین فقر و بزه وجود دارد، لکن فقر را به‌عنوان عامل بزه مطرح نکرده‌اند. به‌طوری که با افزایش و کاهش افراد فقیر، بزه‌کاری نیز افزایش و کاهش یابد (تولن و گورا، 1994).

نظریه کنترل اجتماعی²

به عقیده هیرشی (1979) بزه‌کاری به‌عنوان یک مسئله اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه و همسالان و سایر ارگان‌ها و مؤسسات اجتماعی که نوجوان به‌نوعی در آن‌ها عضویت دارد، بررسی شود. هیرشی معتقد است که بزه‌کاری وقتی اتفاق

1- Approach to economic conditions

2- Approach to social control

می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شوند و یا به‌طور کلی از بین بروند. هیرشی این قیود کلی را تحت چهار مفهوم کلی خلاصه می‌کند که عبارتند از:

تعهد: میزان مخاطره‌ای است که فرد در تخلف از رفتارهای قراردادی اجتماع، می‌کند؛ بدین معنی، فردی که خود را نسبت به قیود اجتماعی متعهد می‌داند، از قبول این مخاطرات پرهیز می‌کند. اگر وابستگی را هم‌پای وجدان بنامیم، تعهد هم‌پایه عقل سلیم یا خود است.

وابستگی: حساسیتی است که شخص نسبت به عقاید دیگران درباره خود نشان می‌دهد. درحقیقت یک نوع قیدوبند اخلاقی است که فرد را ملزم به رعایت هنجارهای اجتماعی می‌کند. این وابستگی را هیرشی هم‌پایه وجدان یا من برتر می‌داند.

درگیر بودن: میزان مشغولیت فرد در فعالیت‌های مختلف است که باعث می‌شود او وقت برای انجام کار خلاف نداشته باشد؛ مثل درگیر شدن در سرگرمی‌های مدرسه، خانه و اشتغال به فعالیت‌های فوق برنامه.

باورها: میزان اعتباری است که فرد برای هنجارهای قراردادی اجتماع قائل است، درحالی که می‌تواند طبق میل خود از آن‌ها تخلف کند، ولی به آن‌ها پایند می‌ماند؛ مانند باور به نیکوکاری، حسن شهرت و... (هیرشی،¹ 1979).

نظریه پیوند افتراقی²

بنابراین نظریه نزدیکان و هم‌سالانی که بزه‌کار باشند در تشکیل و تقویت نگرش بزه‌کاری مؤثر هستند و فرد را به‌سوی بزه‌کاری سوق می‌دهند. این نظریه محتوای اجتماعی بزه‌کاری را در نظر دارد و فرد بزه‌کار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه‌اش با خانواده، محله و رفقا و صاحبین در نظر می‌گیرد. این نظریه ابتدا از سوی ساترلند و کرسی³ مطرح شده و بعدها توسط دوفلور و کوینی به‌صورت زیر فرمول‌بندی می‌شد:

«انگیزه‌ها، نگرش‌ها و روش‌هایی بزه‌کارانه هستند که به‌طور مؤثر به ارتکاب مکرر جرایم می‌انجامد. پیوستن به بزه‌کاری یا جدا شدن از غیر بزه‌کاران (پیوند افتراقی) به

1- Hirschi

2- Differential binding approach

3- Sutherland and Cressey

فراگیری مطالبی می‌انجامد که موافق تخلف از قوانین است. تکرار و غالب کمی مطالبی که تعاریفی موافق بزه‌کاری و قانون‌شکنی ارائه می‌کنند بر فراگرفته‌هایی که ضد بزه‌کاری هستند، منجر به پذیرش بزه‌کاری می‌شوند» (دوفلور و کوئینی، 1966).

پیشینه پژوهش

غنی‌زاده و کلانتری (1392)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی نظم و امنیت در پارک‌های شهر تهران با استفاده از اصول و راهبردهای پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی» که هدف آن بررسی وضعیت امنیت در پارک‌های شهر تهران با استفاده از اصول و راهبردهای پیش‌گیری جرم از طریق طراحی محیطی بوده است، به این مقوله پرداخته‌اند که از مجموع 116 فقره بزه اتفاق‌افتاده در منطقه 16 حدوداً 30 فقره بزه در پارک بعثت رخ داده است و توزیع فضایی الگوهای بزه‌کاری در پارک بعثت بسیار متمرکز و خوش‌های است به‌نظر می‌رسد این امر ناشی از طراحی نامناسب عناصر محیطی، کالبدی درون اطراف پارک بعثت ناشی شده است.

مقیمي و رفعتی (1389) در پژوهشی با عنوان «پلیس و راهبردهای وضعی پیش‌گیری از جرم» به این مقوله پرداخته‌اند که لزوم پیش‌گیری از جرم بر مبنای عقلانی تورم بزه‌کاری، وجه اقتصادی و اجتماعی است؛ اما علی‌رغم مطالب زیادی که هرساله درباره پیش‌گیری از جرم و امور پلیسی منتشر می‌شود، مبنای علمی مدونی وجود ندارد که نشان‌دهنده موارد مؤثر و غیر مؤثر در این امور باشد. نتایج این پژوهش گویای آن است که انتخاب راه‌کارهای پیش‌گیرانه، تعیین اولویت‌های پیش‌گیری، اجرای هدفمند و درنهایت کاهش جرم، همگی به شناخت عمیق ماهیت معضل موردنظر و تحلیل دقیق و بومی آن بستگی دارد.

خسروشاهی (1388) در پژوهشی با عنوان «پیش‌گیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه‌های قرآن» با روش تفسیر محتوای متون دینی با استفاده از فنون تفسیر و بر اساس نظریه‌های جرم‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و نیز مدل‌های ارائه‌شده در جرم‌شناسی پیش‌گیرانه، این موضوع را مورد مطالعه قرار داده است. بررسی آموزه‌های دینی نشان می‌دهد که حمایت‌های فکری و شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چنان‌چه این گروه‌ها، شناخت صحیحی نسبت به زندگی و اهداف آن

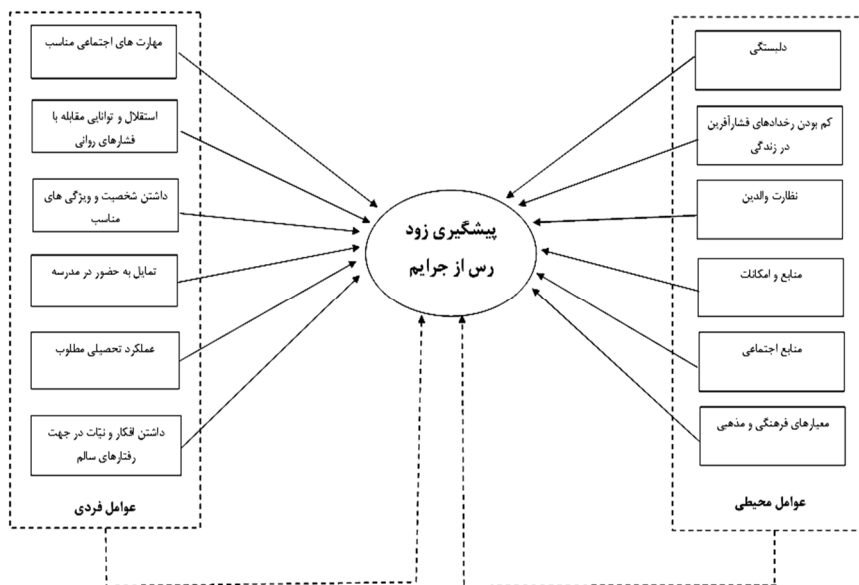
داشته باشند و بتوانند حوادث زندگی را درست تفسیر کنند، به راحتی می‌توانند خود را با موقعیت‌های سخت، سازگار کرده و این موقعیت‌ها را به فرصت‌هایی برای رشد و تعالی خود تبدیل کنند. حمایت‌های عاطفی و مالی نیز علاوه بر این که در مواردی ضروری و مقدم بر حمایت‌های شناختی می‌باشند، می‌توانند زمینه تأثیر این حمایت‌ها را نیز فراهم کنند.

الهیاری (1388) در پژوهشی با عنوان «پیش‌گیری از وقوع جرم با رویکرد مددکاری اجتماعی» به این نتیجه رسیده است که رابطه مستقیمی بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی و آگاهی خانواده‌ها و وقوع جرم وجود دارد؛ بدین معنی که خانواده‌های آگاه از قوانین معمولاً دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند، ولی در خانواده‌هایی که دارای وضعیت پایین اقتصادی - اجتماعی هستند و آگاهی کمتری از قوانین دارند خواسته یا ناخواسته دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

دادبان و آقایی (1387)، در پژوهشی با عنوان «بازدارندگی و نقش آن در پیش‌گیری از جرم» ابتدا به معرفی کوتاه نظریه بازدارندگی کیفری پرداخته و سپس به بررسی چگونگی تولد گوهر گران‌بهای پیش‌گیری از جرم از بطن کیفرها و معرفی اسباب ضروری آن اقدام کرده‌اند. به نظر محققان، تمسک به ابزارهایی چند از ارباب مجرمان بالقوه و بالفعل و آموختن درس عبرت به آنان، یکی از این اهرم‌هاست؛ اهرمی که از طریق نمایش اعمال ضمانت اجراهای کیفری بر مرتکبان، خواهان پیکار با انگیزه‌های مجرمانه است.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش که پیش از این مورد بررسی قرار گرفتند، مدل مفهومی پژوهش به شکل زیر قابل ارائه است.



فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش آموزان در پیش گیری زودرس از جرایم دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه های اصلی

فرضیه فرعی 1: مهارت های اجتماعی مناسب دانش آموزان در پیش گیری زودرس از جرایم دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 2: استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی در پیش گیری زودرس از جرایم دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 3: داشتن شخصیت و ویژگی های مناسب در پیش گیری زودرس از جرایم دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 4: تمایل به حضور در مدرسه در پیش گیری زودرس از جرایم دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 5: عملکرد تحصیلی مطلوب در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 6: داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 7: دل‌بستگی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 8: کم بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 9: نظارت والدین در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 10: منابع و امکانات در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 11: منابع اجتماعی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

فرضیه فرعی 12: معیارهای فرهنگی و مذهبی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش غالب در پژوهش حاضر، پیمایشی¹ است. پیمایش یکی از انواع روش‌های میدانی است که امکان دستیابی به نتایج تعمیم‌پذیر را برای محقق فراهم می‌کند؛ بدین معنا که محقق می‌تواند با مطالعه بر روی نمونه‌گزینش‌شده از یک جامعه آماری، یافته‌ها را به کل جامعه تعمیم دهد (ابراهیمی و همکاران، 1392: 170). البته در این پژوهش، به همراه روش پیمایشی از روش اسنادی نیز استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانش‌آموزان مقاطع اول، دوم و سوم دبیرستان مدارس منطقه 5 تهران در سال

تحصیلی 1394 هستند و برای تعیین نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده می‌شود. حجم جامعه 1500 نفر است که با کمک فرمول محاسبه حجم نمونه مورگان برای محاسبه حجم نمونه جامعه نامحدود برابر 306 نفر به دست آمده است. با توجه به حاشیه امنیت ضریب بازگشت تعداد 310 پرسش‌نامه توزیع شد که تعداد 275 پرسش‌نامه بازگردانده شد. برای سنجش نقش آموزش و پرورش از پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده خواهد شد. ابزار مذکور پرسش‌نامه نقش آموزش و پرورش شامل مهارت‌های اجتماعی مناسب، استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی، داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب، تمایل به حضور در مدرسه، عملکرد تحصیلی مطلوب، داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم، دل‌بستگی، کم‌بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی، نظارت والدین، منابع و امکانات، منابع اجتماعی و معیارهای فرهنگی و مذهبی را مورد سنجش قرار می‌دهد. هم‌چنین در این پژوهش برای سنجش پیش‌گیری از جرم نیز از ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته شامل 23 سؤال استفاده می‌شود. برای سنجش پایایی ابزار پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است که در جریان یک مطالعه مقدماتی مورد ارزیابی قرار گرفت. در ادامه گویه‌های مربوط به متغیرهای مطرح شده در پژوهش و آلفای به‌دست‌آمده در جریان مطالعه مقدماتی آمده است. نتایج این مطالعه نشان داد که آلفای به‌دست‌آمده برای گویه‌های مربوط به مهارت‌های اجتماعی مناسب 0/81، استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی 0/75، داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب 0/79، تمایل به حضور در مدرسه 0/84، عملکرد تحصیلی مطلوب 0/89، داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم 0/92، دل‌بستگی 0/80، کم بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی 0/83، نظارت والدین 0/76، منابع و امکانات 0/85، منابع اجتماعی 0/81 و معیارهای فرهنگی و مذهبی 0/79 به دست آمده است؛ در مجموع آلفای محاسبه شده برای تمامی گویه‌های مربوط به نقش آموزش و پرورش در پیش‌گیری از جرم 0/88 می‌باشد. هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که آلفای به‌دست‌آمده برای گویه‌های پیش‌گیری از جرم 0/89 می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی:

آماره‌های استخراج شده در رابطه با وضعیت سنی پاسخ‌گویان، بیانگر این مطلب است که 27/4 درصد 15 سال، 32/1 درصد 16 سال، 29/9 درصد 17 سال و 10/6 درصد 18 سال هستند که بیش‌ترین گروه سنی 16 سال می‌باشد و کم‌ترین، 18 سال است. 16/4 درصد تحصیلات ابتدایی به پدر دانش‌آموزان و 13/5 درصد مربوط به تحصیلات ابتدایی مادر دانش‌آموزان است و 19 درصد بیانگر تحصیلات سیکل برای پدر دانش‌آموزان و 15/3 درصد بیانگر تحصیلات سیکل مادر دانش‌آموزان است. در رابطه با میزان تحصیلات دیپلم، 26/6 درصد متعلق به پدر دانش‌آموزان و 31/8 درصد متعلق به مادر دانش‌آموزان است. در رابطه با تحصیلات فوق‌دیپلم، 13/9 درصد متعلق به پدر والدین و 24/1 درصد متعلق به مادر دانش‌آموزان است. در رابطه با تحصیلات کارشناسی و بالاتر، 24/1 درصد متعلق به پدر دانش‌آموزان و 23/4 درصد متعلق به مادر والدین است.

آماره‌های توصیفی مهارت‌های اجتماعی مناسب

برای سنجش متغیر مهارت‌های اجتماعی مناسب از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر مهارت‌های اجتماعی مناسب در سطح بالا و نمره 3 بیانگر مهارت‌های اجتماعی مناسب در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 11/37 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان بالاتر از حد متوسط می‌باشد که بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین مهارت‌های اجتماعی مناسب وجود دارد.

جدول شماره 1: آماره‌های توصیفی مهارت‌های اجتماعی مناسب

میانگین	میانه	مد انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
11/37	12	2/95	8/74	12	3	15	274

آماره‌های توصیفی استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی

برای سنجش متغیر استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی سطح بالا و نمره 3 بیانگر استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 10/16 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان بالاتر از حد متوسط می‌باشد که بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی وجود دارد.

جدول شماره 2: آماره‌های توصیفی استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی

میانگین	میان	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل	آماره	حداکثر	آماره	تعداد
10/16	10	6	2/23	10/44	9	6	15	274		

آماره‌های توصیفی داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب

برای سنجش متغیر داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب در سطح بالا و نمره 3 بیانگر داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 10/47 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان بالاتر از حد متوسط می‌باشد که بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب وجود دارد.

جدول شماره 3: آماره‌های توصیفی داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب

میانگین	میان	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل	آماره	حداکثر	آماره	تعداد
10/47	11	14	3/141	9/86	11	4	15	274		

آماره‌های توصیفی تمایل به حضور در مدرسه

برای سنجش متغیر تمایل به حضور در مدرسه از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر تمایل به حضور در مدرسه در سطح بالا و نمره 3 بیانگر تمایل به حضور در مدرسه در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 10/94 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین تمایل به حضور در مدرسه وجود دارد.

جدول شماره 4: آماره‌های توصیفی تمایل به حضور در مدرسه

میانگین	میان	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
10/94	12	15	3/55	12/64	11	4	15	274

آماره‌های توصیفی عملکرد تحصیلی مطلوب

برای سنجش متغیر عملکرد تحصیلی مطلوب از 2 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 10 بیانگر عملکرد تحصیلی مطلوب در سطح بالا و نمره 2 بیانگر عملکرد تحصیلی مطلوب در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 7/51 است که با توجه به میانگین نمره‌های 2 و 10، نمره 6 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین عملکرد تحصیلی مطلوب وجود دارد.

جدول شماره 5: آماره‌های توصیفی عملکرد تحصیلی مطلوب

میانگین	میان	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
7/51	7	7	2/041	4/166	6	4	10	274

آماره‌های توصیفی داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای سالم

برای سنجش متغیر داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای سالم از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای

سالم در سطح بالا و نمره 3 بیانگر داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای سالم در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 10/35 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای سالم وجود دارد.

جدول شماره 6: آماره‌های توصیفی داشتن افکار و نیت در جهت رفتارهای سالم

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
10/35	10	11	3/052	9/32	10	5	15	274

آماره‌های توصیفی دل‌بستگی

برای سنجش متغیر دل‌بستگی از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر دل‌بستگی در سطح بالا و نمره 3 بیانگر دل‌بستگی در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 8/68 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح پایین‌تری از میانگین دل‌بستگی وجود دارد.

جدول شماره 7: آماره‌های توصیفی دل‌بستگی

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
8/68	8	8	3/074	9/45	12	3	15	274

آماره‌های توصیفی کم بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی

برای سنجش متغیر کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر کم بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی در سطح بالا و نمره 3 بیانگر کم بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی در سطح پایین هست که با توجه به یافته‌های جدول 8/68 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح پایین‌تری از میانگین کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی وجود دارد.

جدول شماره 8: آماره‌های توصیفی کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
10/33	10	8	3/11	9/69	10	5	15	274

آماره‌های توصیفی نظارت والدین

برای سنجش متغیر نظارت والدین از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر نظارت والدین در سطح بالا و نمره 3 بیانگر نظارت والدین در سطح پایین هست که با توجه به یافته‌های جدول 9/01 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح بالاتری از میانگین نظارت والدین وجود دارد.

جدول شماره 9: آماره‌های توصیفی نظارت والدین

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
9/01	10	6	3/96	15/74	12	3	15	274

آماره‌های توصیفی منابع و امکانات

برای سنجش متغیر منابع و امکانات از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر منابع و امکانات در سطح بالا و نمره 3 بیانگر منابع و امکانات در سطح پایین هست که با توجه به یافته‌های جدول 7/74 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح پایین‌تری از میانگین منابع و امکانات وجود دارد.

جدول شماره 10: آماره‌های توصیفی منابع و امکانات

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
7/74	7	4	3/49	12/19	12	3	15	274

آماره‌های توصیفی منابع اجتماعی

برای سنجش متغیر منابع اجتماعی از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر منابع اجتماعی در سطح بالا و نمره 3 بیانگر منابع اجتماعی در سطح

پایین هست که با توجه به یافته‌های جدول 8/57 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح پایین‌تری از میانگین منابع اجتماعی وجود دارد.

جدول شماره 11: آماره‌های توصیفی منابع اجتماعی

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
8/57	7	7	2/70	7/33	11	4	15	274

آماره‌های توصیفی معیارهای فرهنگی و مذهبی

برای سنجش متغیر معیارهای فرهنگی و مذهبی از 3 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 15 بیانگر معیارهای فرهنگی و مذهبی در سطح بالا و نمره 3 بیانگر معیارهای فرهنگی و مذهبی در سطح پایین هست که با توجه به یافته‌های جدول 8/02 است که با توجه به میانگین نمره‌های 3 و 15، نمره 9 است پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح پایین‌تری از میانگین معیارهای فرهنگی و مذهبی وجود دارد.

جدول شماره 12: آماره‌های توصیفی معیارهای فرهنگی و مذهبی

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
8/02	7	7	2/52	6/36	11	4	15	274

آماره‌های توصیفی پیش‌گیری

برای سنجش متغیر معیارهای پیش‌گیری از 23 سؤال استفاده شده است که در سطح سنجش ترتیبی و در قالب طیف لیکرت و به شکل 5 گزینه‌ای طراحی شده است که در آن نمره 115 بیانگر معیارهای پیش‌گیری در سطح بالا و نمره 23 بیانگر پیش‌گیری در سطح پایین است که با توجه به یافته‌های جدول 8/02 است که با توجه به میانگین نمره‌های 23 و 115، نمره 69 است؛ پس با توجه به میانگین پاسخ‌گویان، بیانگر این است که از دیدگاه پاسخ‌گویان در سطح پایین‌تری از میانگین پیش‌گیری وجود دارد.

جدول شماره 13: آماره‌های توصیفی معیارهای پیش‌گیری

میانگین	میانه	مد	انحراف معیار	واریانس	دامنه تغییرات	حداقل آماره	حداکثر آماره	تعداد
65/25	65	75	20/17	407/12	83	27	110	274

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه اصلی اول: شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد. جدول شماره 14: ضریب هم‌بستگی پیرسون شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری
عوامل فردی	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	ضریب هم‌بستگی پیرسون	0/967	0/000

برای آزمون این فرضیه پس از ویرایش‌های لازم بر روی گویه‌های متغیر مربوطه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

بین شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد؛ چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش است؛ پس نتیجه کلی این است که شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان بر پیش‌گیری زودرس تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول است؛ بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

فرضیه اصلی دوم: شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد.

برای آزمون این فرضیه پس از ویرایش‌های لازم بر روی گویه‌های متغیر مربوطه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

جدول شماره 15: ضریب هم‌بستگی پیرسون شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نام آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری
عوامل محیطی	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	ضریب هم‌بستگی پیرسون	0/988	0/000

بین شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد؛ چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد؛ پس نتیجه کلی این است که شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول است.

بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های فرعی پژوهش پس از ویرایش‌های لازم بر روی گویه‌های متغیرهای مربوطه از آزمون معنی‌داری پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده به شرح زیر توضیح داده می‌شود:

جدول شماره 16: ضریب هم‌بستگی پیرسون در خصوص آزمون فرضیه‌های اصلی پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نام آزمون	مقدار آزمون
مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	پیرسون	0/924
مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	پیرسون	0/962
داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	پیرسون	0/956

مقدار آزمون	نام آزمون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
0/929	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	تمایل به حضور در مدرسه
0/946	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	عملکرد تحصیلی مطلوب
0/970	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	داشتن افکار در جهت رفتارهای سالم
0/942	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	دل‌بستگی
0/962	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی
0/970	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	نظارت والدین
0/971	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	منابع و امکانات
0/972	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	منابع اجتماعی
0/956	پیرسون	پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان	معیارهای فرهنگی و مذهبی

بین مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد؛ پس نتیجه کلی این است که مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد؛ بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد؛ چرا که سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد؛ بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به دست آمده

کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد؛ بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین تمایل به حضور در مدرسه و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد؛ چراکه سطح معنی‌داری به دست آمده کم‌تر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که تمایل به حضور در مدرسه بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد؛ بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که تمایل به حضور در مدرسه نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین عملکرد تحصیلی مطلوب و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که عملکرد تحصیلی مطلوب بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که عملکرد تحصیلی مطلوب نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به دست آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که داشتن افکار و

نیات در جهت رفتارهای سالم نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین دل‌بستگی و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که دل‌بستگی بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل‌قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که دل‌بستگی نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل‌قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که کم بودن رخدادهای فشار آفرین در زندگی نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین نظارت والدین و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که نظارت والدین بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل‌قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که نظارت والدین نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین منابع و امکانات و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که منابع و امکانات بر پیش‌گیری زودرس از جرایم

دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که منابع و امکانات نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین منابع اجتماعی و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که منابع اجتماعی بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که منابع اجتماعی نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بین معیارهای فرهنگی و مذهبی و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، چراکه سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از آلفای پژوهش می‌باشد، پس نتیجه کلی این است که معیارهای فرهنگی و مذهبی بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیر دارد، مقدار هم‌بستگی بین دو متغیر در سطح خوبی قرار دارد و از لحاظ آماری قابل قبول می‌باشد. بنابراین فرضیه فوق مورد تأیید قرار می‌گیرد، به این مفهوم که معیارهای فرهنگی و مذهبی نوسانی در متغیر وابسته (پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان) ایجاد خواهد کرد.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله بزه‌کاری و انحراف اطفال و نوجوانان از دیرباز در جامعه بشری مورد توجه اندیشمندان بوده است. هم‌زمان با توسعه انقلاب صنعتی و وسعت دامنه نیازمندی‌ها، محرومیت‌های حاصل از عدم امکان تأمین خواست‌ها و احتیاجات زندگی موجب گسترش شدید و دامنه‌دار فساد، عصیان، تبه‌کاری، سرگردانی، دزدی و مانند آن‌ها در اطفال و نوجوانان شده است. امروزه نوجوانان کشور ما هم با این‌گونه مسائل مواجه هستند و آثار مهلک آن‌ها در سیمای جامعه ما آشکار است. کودکان و نوجوانان

سرمایه‌های جامعه هستند و سلامت روح و جسم آن‌ها تضمین‌کننده سلامت جامعه آینده است؛ بنابراین، باید به مسائل آن‌ها توجه کافی مبذول داشت.

آموزش و پرورش اولین نهاد اجتماعی بزرگ است که کودک پای در آن ارگان می‌گذارد. این نهاد بیش‌ترین تأثیر را بعد از خانواده در روح و روان کودک بر جای می‌گذارد. شخصیت اجتماعی و فرهنگی کودک در این نهاد پایه‌گذاری می‌شود. بنابراین باید مورد توجه مسئولان و صاحب‌نظران قرار گیرد. واضح است که آموزش و پرورش در کشور ما به‌عنوان کاهنده جرایم از جایگاه والایی برخوردار نیست یا بهتر است گفته شود برای آن چنین جایگاهی قائل نیستند؛ با این حال ریشه‌های آموزشی و فرهنگی کاهنده جرایم را می‌توان در این نهاد جستجو و بازخوانی کرد. مسلماً این ارگان واجد ارزش و بحث جدی است و می‌تواند به‌عنوان نهاد اصلی در رأس هدف مورد نظر این پژوهش، گره‌گشای بسیاری از معضلات اجتماع باشد. بنابراین آموزش و پرورش به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد قدرت و تأثیرگذارترین آن و تنها نهادی که می‌تواند پیش‌گیری رشدمدار را به‌صورت صحیح در قالب آموزش‌های رایج تربیتی محقق سازد، می‌بایست با ادغام سیاست‌های جامعه‌شناسانه و آموزه‌های دینی تعالیم نوینی را برای تربیت هر چه بهتر قضایی و حقوقی کودک فراهم کند.

در قوانین کشوری نیز به موضوع تأثیرگذاری این نهاد و وظایف آن در قبال دانش‌آموزان و آموزش صحیح اخلاقی و قضایی ایشان تأکید دارد (بند 3 و 4 اصل 3 قانون اساسی). به‌علاوه این موضوع در ماده 1 قانون تأسیس آموزش و پرورش آمده است؛ در آن بر این موضوع تأکید شده است که رساندن کودکان از لحاظ شکوفایی استعداد و توانایی‌ها به حدی که به‌عنوان یک فرد مؤثر بتوانند در جامعه ایفای نقش کنند، یعنی وظیفه تعلیم و تربیت به عهده آموزش و پرورش گذاشته شده است.

آزمون فرضیه اصلی اول پژوهش مبین آن است که بین شناخت آموزش و پرورش از عوامل فردی دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیتی، روحی و روانی فرد در چگونگی رفتار و کردار وی تأثیرگذار است. قرآن کریم می‌فرماید؛ «قل کل یعمل علی شاکلته» (اسراء، 59) بگو هر کس بر مبنای ساختار و شیوه عمل خود عمل می‌کند. امام صادق (ع) فرموده‌اند؛ «منظور از شاکله، نیت انسان است» (اصول کافی، ج 2، 85). نیت، نوع پندار

و منظوری است که فرد را وادار به عمل یا ترک عمل می‌کند و عواملی چون غذا، دوست، محیط و... در شکل‌گیری نیت نقش اساسی دارد (قرائتی، 1372: 62)؛ بنابراین شناخت از عوامل فردی دانش‌آموزان نقش مهمی در پیش‌گیری از جرایم دارد

آزمون فرضیه اصلی دوم پژوهش نیز مبین آن است که بین شناخت آموزش و پرورش از عوامل محیطی دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد. در همین رابطه برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشأ پدیده جرم تلقی کردند. به‌نظر این دانشمندان، جرم پدیده‌ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عامل جامعه و محیط سبب بروز جنایت می‌شود (شام بیاتی، 1378: 75-79). لاکاسانی (1843-1924 م) رییس مکتب محیط اجتماعی، تنها عامل محیطی و فرهنگی را موجب جرم معرفی کرده است. به‌نظر این دانشمند، همان‌گونه که هر میکروب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می‌یابد، پدیده جرم نیز در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده می‌شود. از نظر لاکاسانی، منشأ پدیده جرم تنها عوامل زیستی - روانی است. مارکی نیز پدیده جرم را ناشی از وضعیت نابهنجار اقتصادی می‌دانست (شام بیاتی، 1378: 75-79).

اثبات فرضیه فرعی اول پژوهش مبنی بر این‌که بین مهارت‌های اجتماعی مناسب دانش‌آموزان و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، مبین اهمیت مهارت‌های اجتماعی در پیش‌گیری زودرس دانش‌آموزان از جرم است. فولادی به نقل از رئیسی (1383) مهارت‌های اجتماعی را توانایی‌های روانی اجتماعی برای رفتار انطباقی و مؤثری که افراد را قادر می‌سازد تا به‌طور چشم‌گیری با مقتضیات و چالش‌های زندگی روزمره مقابله کنند، می‌داند. آموزش این مهارت‌ها زمینه ارتقای رشد شخصی و اجتماعی، محافظت از حقوق انسان‌ها و پیش‌گیری از مشکلات روانی و اجتماعی را فراهم می‌کند. به‌طور کلی مهارت‌های اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا بتوانند نظرها، عقاید، خواسته‌ها، نیازها و هیجان‌های خود را ابراز کرده، به هنگام نیاز از دیگران درخواست کمک و راهنمایی کنند. انگلبرگ و اسجوبرگ¹ (2004) معتقدند مهارت‌های اجتماعی کارکردهای مختلفی دارند، برخی از مهارت‌های اجتماعی،

1- Engelberg & Sjoberg

رشد اجتماعی را تسهیل می‌کنند، برخی دیگر بافت‌های بین فردی را بهبود می‌بخشند و برخی دیگر مانع از دست دادن تقویت‌های جاری می‌شوند.

آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش نشان داد بین استقلال و توانایی مقابله با فشارهای روانی و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد. زندگی با فراز و نشیب‌هایش، همیشه مقداری از فشار روانی را بر ما تحمیل می‌کند. این مقدار با صنعتی شدن زندگی به مراتب بیش از گذشته شده است. هرچند مقدار کم استرس برای انجام کارها لازم و مفید است، اما زیاد بودن آن، گاهی انسان‌ها را از پای درمی‌آورد و در برابر خود به تسلیم وامی‌دارد. در این میان، فراگیری مهارت چگونگی برخورد با فشارهای روانی، به ما در برخورد درست با این حالت‌های منفی و مواجهه منطقی با آن کمک می‌کند؛ این توانایی، شامل شناخت استرس‌های گوناگون زندگی و تأثیر آن‌ها بر فرد است. شناسایی منابع استرس و نحوه تأثیر آن بر انسان، فرد را قادر می‌سازد با اعمال و موضع‌گیری‌های خود، فشار و استرس را کاهش دهد.

اثبات فرضیه فرعی سوم پژوهش در خصوص نقش داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسب در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان مبین آن است که داشتن شخصیت و ویژگی‌های مناسبی نظیر مثبت‌نگری، جهت‌مندی و معنا در زندگی، بااراده بودن و پایداری از عوامل حفاظت‌کننده دانش‌آموزان در برابر جرم و عوامل جرم‌زا است.

وسواس، افسردگی، اضطراب و اعتمادبه‌نفس پایین، از علائم روان‌رنجوری می‌باشد. ظهور این علائم در فرد، رفتار وی را تحت‌الشعاع قرار داده و باعث اخلال در عملکرد او شده و انطباق او را با محیط دچار مشکل می‌کند. برخی از افراد بزه‌کار دچار علائم روان‌رنجوری بوده و این علائم در آن‌ها مشاهده شود، اما بی‌تردید تمام افراد مبتلابه روان‌رنجوری، به‌صورت بالفعل بزه‌کار نیستند؛ یعنی ممکن است فرد یا افرادی که مبتلابه روان‌رنجوری هستند، هیچ‌وقت به‌سوی بزه‌کاری سوق نیابند و بنابراین نباید در مسیر یک تفکر قالبی و پیش‌داورانه افراد روان‌رنجور را ابتدابه‌ساکن، متصف به وصف بزه‌کاری کرد. حسب تحقیقات به‌عمل‌آمده، در برخی از نوجوانان بزه‌کار علائم روان‌رنجوری مشاهده شده است. ضروری است که طی فرایند پیش‌گیری با به‌کارگیری متخصصان در عرصه‌های مربوطه (روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی و...) و تشخیص به‌موقع علائم روان‌رنجوری، مانع حدوث بستر پیدایش و شیوع رفتارهای

بزه‌کارانه در فضای کلی نظام اجتماعی شد (احمدی و کونانی، 1389). اثبات فرضیه فرعی چهارم پژوهش (تمایل به حضور در مدرسه در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد) مبین اهمیت جذاب‌سازی فضای آموزشی برای دانش‌آموزان است، آموزش و پرورش که 30 درصد جمعیت کشور را در برمی‌گیرد، جذاب‌ترین محیط برای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان کشور به‌شمار می‌رود (سعیدیان، 1387: 1). در این میان مدرسه از جمله نهادهای اجتماعی است که بعد از خانواده نقشی به‌سزا در زندگی اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان بر عهده دارد؛ زیرا دانش‌آموز بیش‌تر وقت زنده و فعال خود را در مدرسه سپری می‌کند. موقعیت و برنامه‌های مدرسه اثری مهم در علاقه‌مندی یا فرار جوانان از مدرسه دارد (رابرتسون، 1372: 129-130). در بعضی از مدارس، نامناسب بودن برنامه، محیط سرد و غم‌آور، نبود معلمان ورزیده و تعلیم‌دیده، بی‌توجهی و بی‌علاقگی به وضع دانش‌آموزان، شلوغ و پرجمعیت بودن کلاس‌ها، انبوه وظایف و تکالیف و نداشتن فرصت کافی برای معلمان به‌منظور رسیدگی به مشکلات دانش‌آموزانی که در زمینه وضع تحصیلی، اجتماعی یا شخصی خود نیاز به کمک دارند، سبب می‌شود که این قبیل دانش‌آموزان به‌محض مشاهده شروط لازم، به رفتار بزه‌کارانه روی آورند و از این طریق تا حدودی جلب توجه و احساس موفقیت کنند (ستوده، 1373: 44). آزمون فرضیه پنجم پژوهش نشان داد که بین عملکرد تحصیلی مطلوب و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد. نتایج پژوهش‌های سالیان اخیر بر این واقعیت تأکید دارد که یکی از عوامل بروز خشونت و رفتارهای ناسازگارانه دانش‌آموزان، ضعف تحصیلی است. بررسی و تحلیل پژوهش‌ها در زمینه ارتباط بین مسائل درسی و رفتاری نشان می‌دهد که عملکرد ضعیف درسی دانش‌آموز با شروع فراوانی و شدت اعمال بزه‌کارانه او رابطه مستقیم دارد. حال آن‌که عملکرد تحصیلی مطلوب غالباً با امتناع از ارتکاب جرم و دست کشیدن از رفتار خلاف‌کارانه همراه است. دانش‌آموزانی که دچار ضعف تحصیلی هستند، اغلب کلاس را نه به‌عنوان محلی برای انجام فعالیت‌های یادگیری شوق‌انگیز، بلکه به‌صورت فضایی کسالت‌آور، رقابت‌آمیز و تحقیرکننده می‌بینند. کمک به پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

با ایجاد فرصت‌هایی برای کسب موفقیت و جلب تأیید دیگران، احتمال شرکت آنان را در رفتارهای ناسازگارانه و خشونت‌آمیز کاهش می‌دهد.

آزمون فرضیه فرعی ششم پژوهش (داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان منطقه 5 تهران تأثیر دارد) نشان داد بین داشتن افکار و نیات در جهت رفتارهای سالم و پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان هم‌بستگی معنی‌داری وجود دارد، هم‌چنین به‌خوبی نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که افکار و نیاتشان در جهت رفتارهای سالم است کم‌تر دچار بزه‌کاری می‌شوند و در عوض دانش‌آموزانی که مثلاً برداشته‌های مثبت در مورد تأثیر مصرف مواد بر فرد دارند بیش‌تر ممکن است گرایش به بزه‌کاری و جرم داشته باشند.

فرضیه فرعی هفتم پژوهش به بررسی ارتباط دل‌بستگی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان پرداخته است، تأیید وجود ارتباط بین این دو متغیر مؤید نتایج تحقیقات مشکانی (1381)، زارعی (1383)، سخاوت (1381)، رئیسی (1382)، بندا و کوروین¹ (2002)، هووارد و همکاران (2002)، بوده است.

آزمون فرضیه فرعی هشتم پژوهش مبنی بر تأثیر کم بودن رخدادهای فشارآفرین در زندگی بر پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان مبین اهمیت نقش محیط آرام در آینده و شکل‌گیری شخصیت زیستی کودک است. از دیدگاه کودک، والدین مهم‌ترین و ارزنده‌ترین الگوهای جهان هستند. کودک به‌موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلیقات خانواده خود را کسب می‌کند و آن‌ها را جزء شخصیت و منش خود می‌سازد (توسلی، 1369: 52-54). رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک و نیز با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می‌سازد که در جامعه هم خشونت و جدال حلال مشکلات است. از مهم‌ترین ارزش‌هایی که لازم است کودک در محیط خانواده فرا گیرد عشق و محبت است. والدین باید با رفتار عطف‌آمیز و انسانی خود کودکان را از عشق و محبت و ایثار و گذشت سرشار کرده و آن‌ها را در گسترش و اشاعه این ارزش‌های والای انسانی در جامعه یاری دهند (صلاحی، 1376: 23-32).

فرضیه نهم پژوهش درباره بررسی نقش نظارت والدین در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان طراحی شده که نتایج آزمون فرضیه بیانگر اهمیت نظارت والدین در این مقوله می‌باشد. پدر و مادر از نقش بسیار مهم و والایی در زندگی کودک برخوردار هستند؛ چراکه تا یک سن خاص ایشان متولی تربیت اطفال هستند و بدیهی است که تربیت صحیح خود نوعی مصون‌سازی است. والدین و فرزند کنش متقابل بر یکدیگر دارند (نجفی ابرندآبادی، 1381)؛ اما گاه مواردی دیده می‌شود که والدین فاقد مهارت‌های تربیتی می‌باشند و نمی‌توانند شیوه‌های صحیح تربیتی را به کار گیرند؛ به نحوی که در اثر سهل‌انگاری کودک را به سمت‌وسوی بزه‌کاری سوق می‌دهند. در چنین شرایطی توصیه جرم‌شناسان و متخصصان در زمینه پیش‌گیری، به منظور ممانعت از بزه‌کاری کودک، توسل جستن به برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین است؛ این طیف از برنامه‌ها در حقیقت به منظور آموزش والدین در مورد چگونگی استفاده مناسب از تکنیک‌های تأدیب و تربیت، نظارت و کنترل و این‌که چگونه می‌توان محدودیت‌های مفید و استواری را در مورد کودکان و نوجوانانی که تمایل به قانون‌شکنی دارند به کار برد، می‌باشد. این برنامه‌ها معمولاً از رویکرد سازمان‌یافته‌ای بهره برده و عمدتاً به منظور بهبود روابط خانوادگی و کمک به پدر و مادر در استفاده از تکنیک‌های مناسب تربیت و پرورش کودکان است.

فرضیه فرعی دهم و یازدهم پژوهش در راستای بررسی نقش منابع و امکانات مادی و اجتماعی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان بوده است که نتایج پژوهش بیانگر اهمیت این دو متغیر در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان بوده‌اند. هم‌چنین آزمون فرضیه فرعی دوازدهم پژوهش نشان داد معیارهای فرهنگی و مذهبی در پیش‌گیری زودرس از جرایم دانش‌آموزان تأثیرگذارند.

بررسی‌ها و مطالعات نیز نشان‌دهنده این واقعیت است که آموزه‌های دینی، اخلاقی و معنوی نقش مؤثری در پیش‌گیری از جرم و بزه‌کاری ایفا می‌کنند و حتی کسانی که تردیدهایی در این مورد داشته‌اند نیز به گونه‌ای به نقش بازدارندگی دین اذعان کرده‌اند؛ برای مثال گرازمیک و دیگران در این زمینه می‌گویند: «جامعه‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که دست‌کم برخی از ابعاد دین را می‌تواند دارای نقشی بازدارنده، حداقل در خصوص برخی از انواع رفتارهای غیرقانونی به حساب آورد.» آنان هم‌چنین معتقدند که

دین نیز این نقش بازدارندگی را دست‌کم در برخی اوضاع و احوال ایفا خواهد کرد (ایوانز، بی‌تا). فراگیربودن تأثیر دین بر انواع جرایم یا اختصاص اثرات آن به جرایم که در واقع به معنای نقض حدود زهد و تقوا در دین است (همان، 144). هم‌چنین مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای‌بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندانشان به فساد و بزه‌کاری روی نمی‌آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال 1959 صورت گرفته است، 72 درصد نوجوانان بزه‌کار که به دلیل سرقت و دزدی توقیف یا زندانی شده بودند، نماز نمی‌گزاردند و 53 درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی‌گرفتند (طالبان، 1380: 38).

به‌هرحال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است؛ بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می‌تواند ناشی از عدم پای‌بندی خانواده‌ها به آموزه‌های دینی باشد. ترابی (1390) نیز بیان می‌کند که دین و معنویت نقش حیاتی در سلامت فردی و اجتماعی او دارد و هم‌چنین بر کاهش و پیش‌گیری از جرایم نیز تأکید دارد.

پیشنهاد‌های پژوهش

1. تشویق و تقدیر از دانش‌آموزان که با مهیا بودن امکان ارتکاب به بزه‌کاری خویشتن‌دار بوده و خود را حفظ کرده‌اند؛
2. تهیه بروشورهای زیبا با ارائه پیام‌های کوتاه و مفید و کمک به دانش‌آموزان برای شناسایی رفتارهای نابهنجار در شرایط سخت؛
3. ایجاد مراکز تفریحی سالم؛
4. ایجاد جذابیت جنبه‌های مختلف زندگی سالم؛
5. فراهم کردن بستر برای استفاده از مکان‌های ورزشی و تفریحی برنامه؛
6. برگزاری مسابقات ورزشی و مسابقات فرهنگی اردوهای فرهنگی و بازدید از بعضی نقاط چون زندان‌ها؛

7. استفاده از معلمان علاقه‌مند، معتقد به مبانی اسلامی، مسئولیت‌پذیر و باوجدان کاری چشم‌گیر؛ از این‌رو که معلمان، الگوهای بسیار مؤثر و مهمی برای دانش‌آموزان به‌شمار می‌روند؛
8. کنترل و نظارت بر اعمال و رفتار دانش‌آموزان و برخورد صحیح با افراد خاطی و تشویق دانش‌آموزان منضبط؛
9. استفاده از مشاوران متخصص و متعهد علمی و تجربی برای عرضه راه‌کارهای مناسب به دانش‌آموزان، در مواقع مواجهه با مشکل؛
10. شفاف‌سازی قوانین و مقررات مدرسه و خودداری از سخت‌گیری در زمان ثبت‌نام؛
11. پیش‌بینی دروسی متناسب با ویژگی‌های جامعه برای آگاه‌سازی دانش‌آموزان در برابر مسائل گوناگون؛
12. توجه به برنامه‌های پرورشی مدارس - که هم‌اکنون کمتر به آن‌ها ارزش داده می‌شود - مانند برنامه نمایشی یا سرود، اعم از این‌که در جایگاه هنرپیشه باشد یا تماشاگر؛ زیرا این برنامه‌ها بسیار در روحیه دانش‌آموزان تأثیرگذار است.

منابع

- بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (1387). پیش‌گیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- جرّ، خلیل (1375). فرهنگ لاروس. ترجمه سیدحمید طبیبیان، جلد اول، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- دهخدا، علی‌اکبر (1377). لغت‌نامه. جلد 5، 13 و 14، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رجبی‌پور، محمود (1382). راهبردهای پیش‌گیری از جرم. فصل‌نامه دانش انتظامی، سال پنجم، شماره سوم.
- شریعتمداری، علی (1364). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، انتشارات امیرکبیر.
- صلیبا، جمیل (1366). فرهنگ فلسفی. ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات حکمت.
- گرجی، ابوالقاسم (1372). مقالات حقوقی. جلد اول، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گسن، ریمون (1370). جرم‌شناسی کاربردی. مهدی‌کی‌نیا، چاپ اول، ناشر: مترجم.
- گل محمدی خامنه، علی (1384). پیش‌گیری از جرایم. چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی جهان جام جم.
- گل محمدی، فرهود، (1387). نگاهی بر نقش حفظ و تقویت ارزش‌ها در نوجوانان در پیش‌گیری از وقوع جرم. همایش ملی پیش‌گیری از وقوع جرم.
- گیدنز، آنتونی (1374). جامعه‌شناسی. چاپ دوم، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی.
- مرکز آمار ایران (1385). سالنامه آماری. تهران: سازمان آمار کشور.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (1382). تقریرات درس جرم‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی، نیم سال اول.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد؛ سرکشیکیان، محمدحسین (1390). پیش‌گیری از جرم از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری، صص 267-322.
- وروایی، اکبر (1384). مؤلفه‌های مؤثر بر تشکیل پلیس اطفال. سازمان تحقیقات پلیس پیش‌گیری.
- Albert U, Mania G, Bergesio C, Bogetto F. (2006). Axis I and II co morbidities in subjects with and without nocturnal panic. *Depress Anxiety*, 23(7), pp.422-428.

- Albert U, Mania G, Bergesio C, Bogetto F. (2006). Axis I and II co morbidities in subjects with and without nocturnal panic. *Depress Anxiety*, 23(7), pp.422-428.
- Benda, B., & Crowyn, R. (2002). The Effect of Abuse in Childhood and in Adolescence on Violence Among adolescents. *Jornal of Youth and Society*, 33(3), pp.339- 365.
- Buhler, C. (1968). Human Life as a Whole as a Central Subject of Humanistic Psychology. In J.F.T. Bugental, *Perspectives in Humanistic Psychology*.
- Clarke, R.V. (2010). *Shoplifting, Problem Specific Guide No. Problem-Oriented Guides for Police Series*. Washington, D.C.: Office of Community Oriented Policing Services, U.S. Department of Justice.
- Clarke, Ronald and David Weisburd (1994). Diffusion of Crime Control Benefits: Observations on the Reverse of Displacement. *Crime Prevention Studies*, volume 2. Monsey, NY: Criminal Justice Press (accessible at www.popcenter.org)
- Cornish, D. (2007). the procedural analysis of offending and its relevance for situational prevention, in R. Clarke (ed.) *Crime Prevention Studies*, vol. 3, (pp. 151–196), Monsey, Criminal Justice Press.
- Engelberg, E.; & Sjoberg, L. (2004). Emotional. Intelligence, Affect intensity and social adjustment. *Journal of personality and individual differences*. 37(1), pp.533- 542.
- Erikson, E. H. (1977). *Childhood and society*. New York: Triad/Paladin.
- Keller, D. & Dror, I. (1995) "Planning Non-formal Education Curricula: The Case of
- Laycock, G. (2008). "Rights, Roles and Responsibilities in the Prevention of Crime." In T. Bennett (ed.), *Preventing Crime and Disorder: Targeting Strategies and Responsibilities*. Cambridge (United Kingdom): University of Cambridge.
- Webster, Meriam. (1978). *Webster, s New Universal Dictionary*. New York: Webster, s International Press.
- Young, A paper about prevention factor for delinguct jarnil, 1998.